

إِلَهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ...

معبود من تدبیر امورم را آن گونه که شایسته توست به انجام رسان ...

• واگذاری امور به خداوند

علم آدمی بسیار ناچیز و اندک است، به همین سبب، هرگز به طور کامل، به مصالح و مفاسد خویش آگاه نمی باشد. گرچه او مأمور به سعی و همت ورزی می باشد و باید وظایفش را به درستی ادا نماید، ولی به هرحال، آگاهی درست از اینکه خیر و صلاح واقعی او، چه می باشد و اینکه چه مقامی و مکانی شایسته وقوف او و چه احوالی مناسب وجود اوست، از عهده وی خارج است، به همین جهت، مصلحت و خیر بنده در این است که امورزندگی خویش را به پروردگارش واگذار نماید.

آن گونه که حضرت سیدالشهداء علیه السلام واگذار نموده و به این شکل در دعای عرفه به مناجات نشسته است که:

«إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ إِخْتِيَارِي؛ معبود من! تدبیرت را جایگزین تدبیرم نما! و بدین گونه بی نیازم فرما! و اختیار خودت را به جایاختیارم اعمال فرما!»

وَعْدُ عَلِيٍّ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ مُذْنِبٍ قَدْ غَمَّرَهُ جَهْلُهُ ...

و فضل خود را به گنهکاری که غریق امواج جهالت است، بازگردان ...

• تقاضای دریافت فیض از حق تعالی

الطاف حق تعالی به قدری وسیع و فراگیر است که با هر بهانه ای آدمی را مشمول رحمت و عنایت خود می سازد.

همانگونه که حضرت امام علی علیه السلام در مسجد کوفه با تضرع به مناجات می نشیند:

«مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ هَلْ يُرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى؛ مَوْلَايَ مِنْ تُو مَوْلَايَ وَمِنْ عَبْدٍ، وَ چِه كَسِي جَز مَوْلَى بَر عَبْد خُوِيَش تَرَحْم مِي نَمَايِد.»

در فراز مذکور از مناجات، «جهل» و جاهل بودن بنده نیز از عواملی به شمار آمده که آدمی را مستحق دریافت فضل و کرم الهی می نماید، همان گونه که امام علیه السلام می گوید: معبود من! فضل خود را به گنهکاری که غریق امواج جهالت است باز گردان.»

در دعای ابوحمزه ثمالی نیز آمده است که: «وَ أَيْ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ؛ وَ كَدَام جَهْل اسْت، كِه جُودِ تُو آن رَا فَرَا نَكِيِرِد.»

البته مقصود از «جهل» تنها بی اطلاعی نسبت به حرام و گناه نمی باشد، بلکه چه بسا، دایره جهل وسیع تر از این باشد. یعنی می توان به افرادی که حتی به عواقب گناهان آگاهی دارند ولی باز مرتکب آن گناهان می شوند نیز نسبت جهل داد؛ به این بیان که اگر آنها آگاهی واقعی به آثار نکبت بار و خواص زهرگونه معاصی داشتند و آنها را به چشم قلب، مشاهده و ادراک می نمودند، قطعاً از لغزش ها اجتناب می کردند. از این رو می توان گفت این گروه نیز در واقع از نوعی جهل برخوردار بوده و مستحق ترحم و دریافت رحمت پروردگاری باشند.

به تعبیر حکیم نظامی گنجه ای، خداوند، تنها، نوازشگر خردمندان نمی باشد، بلکه، چاره ساز ناخردمندان نیز هست:

خدایِ خِرْدبَخْشِ بَخْرَدِ نَوَازِ      همان، ناخردمند را چاره ساز

